



۲۰۱۳/۱۲/۲۸

دوکتور محمد اکبر یوسفی

«یا در پهلوی ما هستید، یا در پهلوی تروریست ها»

(«رئیس جمهور "بوش" حین ایراد بیانیه در کنگرس واشنگتن»)

این جمله را رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، در بیانیه خویش، در برابر اعضای کنگره آمریکا، که گزارش آن بتاریخ ۲۴/۰۹/۲۰۰۱م، در شماره ۳۹ «شپیگل»، همانسال از طرف یک گروه از نویسندگان، هیأت «تحریر» «مجله»، بدست نشر سپرده شده است، می خوانیم. این بیانیه درست ۱۳ روز بعد از حادثه «۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م»، در باره اتخاذ تصمیم رسمی ایالات متحده آمریکا، در «جنگ علیه تروریزم»، ایراد گردیده است.



این جمله، قریب ۱۲ سال قبل، در تحت شرایطی از «حلقوم»، رهبر یگانه قدرت «بزرگ وقت جهان»، بیرون می آید. در حالیکه خارج از «قصر سفید»، مشغول دیدار از ایالت «فلوریدا» بوده است، خبر حوادث «تروریستی» را بگوشش می رسانند. در نتیجه در همان حادثه وحشتناک بنا بر گزارش «شپیگل»، «۱۱ سپتمبر ۶۵۰۰ انسان»، که در جمله «صد ها نفر غیر امریکائی از ۸۰ کشور نیز شامل بوده، کشته می شوند».

«زمامدار» یک قدرت بزرگ، چنین یک جمله را ممکن، بدون تکلیف گفته بتواند. اما وقتی در صف «هموطنان مهاجر ما» و «دانشمندان» آن، چنین اظهارات مشابه در «جبهگیری» دیده می شود، می تواند، جای تعجب و افسوس باشد، که حتی، برداشت های «ذهنی» و قسماً «بدبینانه» علیه اشخاص و یا «سازمان های سیاسی»، بعنوان «ارزیابی علمی» مهر خورده، علاوه از اینکه به خوانندگان «پورتال افغان جرمن آن لاین» توصیه، می کنند، شعار «سیاسی» شخصی و یا بخصوص «گروپی» خود را، ماهیت و اعتبار «علمی» داده، «طرفداران» مخالفین خود را به «مبارزه» و یا «جوابگویی» می طلبند، در غیر آن، هدایت «چسپاندن» «بنداز» بر لبان آنها صادر می نمایند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جای تعجب و افسوس از آنجهت هم می تواند پذیرفته شود، که در جامعه «بحرانی»، غم‌دیده و غرق در خاک و خون ما، این منطق: «هر کسی که با ما نیست، حتماً با دشمن است»، نه تنها صدق نمی کند، بلکه هر شعار «سیاسی» و یا هر «مشی دلخواه سیاسی»، «خوشبینی» و یا «بدبینی» با «افراد»، حتماً «علمی» نخواهد بود که برای دیگران هم، درین عصر و زمان، جهت مطالعه قابل توصیه باشد.

حال به قسمتی از وقایع سال ۲۰۰۱م، بطور نمونه، نظر می اندازیم، بدون اینکه «جانبداری» و یا «مخالفت» در میان باشد، که از صف انسانهای خارج از ساحه سیاسی و به اصطلاح معمول، از صف «اهل خاموش»، فقط «فکت» هائی از نظر گذشتانده شود، که با واقعیت های جامعه و کشور ما هم ربطی خواهد داشت.

در همین بیانیه، رئیس جمهور امریکا، طوریکه «شپیگل» گزارش می دهد، «بن لادن» را مسؤول می شمارد و بحیث «فرمانده کل قوا» امر «مرده یا زنده» او را یک هفته قبل از نشر این گزارش، صادر می نماید. در همان روز های آغاز، پذیرفته شده بود، که درین «جنگ» هم چنان تعداد «زیاد انسانهای بی گناه کشته خواهند شد.» درین بیانیه رئیس جمهور امریکا، هنوز روز آغاز جنگ را بر اساس همین منبع تذکر نمی دهد، اما نویسنده می نویسد، که از «ضرب الاجل» اعلان شده، «واشنگتن» علیه حکومت «طالبان»، می توان، استخراج کرد. درین «ضرب الاجل» برای جلوگیری از «حمله»، منجمله گفته شده بود:

- تمام رهبران شبکه القاعده را که "اوسامه بن لادن" تأسیس نموده است، به ایالات متحده تسلیم داده شود.
- همه "کمپ های تروریستی" مسدود گردد، تروریست ها را به مقامات ایالات متحده «تسلیم» دهند.
- دخول بدون مانع در «کمپ های» تروریستها، برای مقامات دولتی ایالات متحده فراهم آید، تا ایالات متحده، خود از درستی تخلیه، اطمینان حاصل نماید.
- هشت همکار «سازمان کمکی غربی» بنام «سر پناه حالا» باید رها گردند.

درین اقدام، همبستگی کشورهای عضو «ناتو» و سایر کشور ها را با خود جلب نمود. در صف ائتلاف «داخلی»، طوریکه «شپیگل» و «بی. بی. سی.» گزارش می دهد، «حامد کرزی»، از طریق «بولدک» وارد «شمال» ولایت «قندهار» می گردد، بکمک «سران قومی» در «همکاری نزدیک» با قوای «خاص امریکائی» در شکست «طالبان» نقش مهم بازی می کند. آنچه در قندهار می گذرد، «نقش حامد کرزی» خیلی «سنگین» بوده است.

از آنجائیکه موضوع «جنگ علیه تروریزم»، از همان آغاز با نگرانی ها و شک و تردید، از جانب محافل غربی نیز همراه بوده است، که حتی در همان گزارش، بطور مشخص، تشویش و نگرانی های مقامات رهبری غرب، بشمول امریکا هم چنان انعکاس داده شده است، بناءً هر گاه «رئیس جمهور افغانستان» درین مورد، «نظر خود را داشته بوده باشد»، که با برخی از تصورات و خواسته های بعضی از مقامات امریکائی متفاوت بوده باشد، یک امر طبیعی است. از نظر اینجانب، به هیچصورت در «مخالفت» با «عقد این قرارداد دو جانبه مطروحه» بین افغانستان و ایالات متحده امریکا و یا دیگر «مناسبات» دوستی، با ایالات متحده امریکا، معنی نمی دهد.

طوریکه درین عنوان مطلب «شپیگل» در همان سال ۲۰۰۱م دیده می شود «این جنگ ده سال را در بر خواهد گرفت؟»، تعیین شده است. بناءً با در نظر داشت، واقعیت های «عینی» و بدون «بدبینی» و «خوشبینی» نسبت به کسی، درین مورد، هم چنان بدون «جانبدای» شخصی، فقط بر اساس مطالعه اسناد و «مدارک» که تفصیل آن درینجا، نمی گنجد، در طول مدت جریان این «مباحث»، هیچ «اظهاری» را نمی توان یافت، که نمایانگر «ادعای» بدون دلیل، از جانب «رئیس جمهور افغانستان» باشد و یا اینکه در نقش «ایالات متحده امریکا» و «پاکستان»، چیزی گفته باشد، که دور از «حقیقت» باشد و هم اینکه «مناسبات» بین این کشور ها برهم زده شود. فقط آنچه را که، نمی خواهم بپذیرم، تذکر کلمات نا مناسب می باشد.

برای روشنی انداختن، روی موضوع، «جنگ با تروریزم»، قسمتی از مصاحبه گزارشگر «شپیگل»، را با آقای "سکوکروفت" (Scowcroft)، در آنوقت ۷۶ ساله، مشاور رئیس جمهور امریکا، "جورج دبلیو بوش" (George W. Bush)، در سیاست خارجی، از نظر می گذرانیم. (متن مکمل مصاحبه، بعداً تقدیم خواهد شد.)

« "شپیگل": آقای "سکوکروفت"، آیا معقول است، که از "جنگ" علیه تروریزم صحبت شود؟ »

د یانو شمیره: له ۲تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

«سکوکروفت»، بلی و نی. معقول و با معنی است، زیرا جنگ برای تحرک و بسیج خدمت می کند؛ این امر اینجا در ایالات متحده آمریکا و همچنان در اکثریت کشور های دنیا ضروری است، که با آنها ما می خواهیم ائتلاف بزرگی را تشکیل دهیم. در نخستین روزها، حرف جنگ قبل از همه، بر سر «صدای بیداری» بوده است. انتخاب کلمات هدف را تحقق بخشید. از جانب دیگر جنگ یک مفهوم به گمراهی کشاندن است، آنچه با طبیعت منازعه ارتباط می گیرد. زیرا جنگ علیه تروریسم، بمعنی اصلی و نقلی آن، عبارت از آنست، که در آن بر حسب عنعنه از نگاه جغرافیائی دشمن قابل تشخیص با اردو، قوای هوائی و بحری مطرح می باشد. تروریست ها مخالفین یا دشمن تاریک و پنهان اند، که خود را می پوشانند و ناگهان ضربه می زنند. کم حمایت دارند و به ندرت دارای «انفراسترکچر» یا سازمان زیربنائی اند، که انسان می توانست آنرا تحت حمله قرار بدهد.»

«شپیگل»: آیا امیدی را در ذهن پرورش می دهید، که تروریسم به معیار بین المللی نابود شده می تواند؟»

«سکوکروفت»: نی، بندرت جنگ هائی وجود دارد، که دشمن کاملاً "نابود" گردد. تروریسم بصورت اعظمی می شود تحت کنترل درآورده شود و به رویداد های پراکنده و منفرد محدود نگهداشته شود. اما محدودیت هم آسان نخواهد بود.»

«شپیگل»: از تروریسم چگونه جلوگیری بعمل می آید؟»

«سکوکروفت»: نخست باید یک ائتلاف بزرگ کشورها را تشکیل دهیم، که تروریسم را بعنوان خطر در برابر تمدن ما می بینند. ما باید از خدمات مخفی استفاده نمائیم، تا با شبکه های تروریستی و هسته های آنها آشنائی دقیقتر حاصل نمائیم. ما باید در سیستم ارتباطی آنها جنگ بزنییم و ببندیم، تا بدانیم که از کجا، با کی و روی چه موضوع صحبت می کنند. بعد باید، پول و «چینل» های آنها کشف نمائیم و شیر دهن (شیر آب) پولی را ببندیم. در نهایت باید کسی در سازمان تروریستی نفوذ کند.» (مجله در وسط صفحه این جمله را، مکرراً برجسته ساخته است: «به ندرت جنگ

هائی وجود دارد که دشمن کاملاً "نابود" شده باشد...»



به تاریخ ۵ دسمبر ۲۰۰۱م، این افراد قومی «ملا نقیب» است، که تعداد «کثیری» از «طالبان»، به اعتبار و نفوذ «حامد کرزی» تسلیم گردیده اند. در رابطه با این عکس های «حامد

کرزی» با اقوام در قندهار و هم با رئیس «جمهور امریکا» مجموعه ای از گزارشاتی ربط داده شده است، که امید ها و خطرات نسبت به آینده در آن نیز تذکر رفته است. تصامیم جرگه های «قومی» در مناطق «مختلف»، در طول تاریخ کمی تفاوت داشته است. در رابطه با همین تصمیم قومی در قندهار، در جریان جنگ با «طالبان»، گزارشگر «شپیگل» از عدم درک درست «نظامیان» امریکائی، بشمول، وزیر دفاع آنوقت، «مسفیلد»، یاد آور شده، «تفاوت نظر» را با «حامد کرزی»، در برخورد با «طالب» و «سائیر مخالفین» در همان لحظات اول، تذکر داده اند.

امریکائی ها، یقیناً می دانسته اند، که «حامد کرزی» از مفکوره «بابای ملت»، «اعلیحضرت محمد ظاهر شاه»، در رابطه با «جنگ علیه تروریسم» که ایالات متحده امریکا آنها، آغاز نموده است، پیروی می نماید. در یک مصاحبه پادشاه فقید، با «شپیگل» که قبل از «عودت ایشان بوطن» در «روم» صورت پذیرفته است، چنین گفته اند: «شپیگل»: آیا بمب های امریکائی که در افغانستان می افتد، موجه و ضروری است؟»



«ظاهر شاه»: ایالات متحده امریکا هر گونه حق دارد، تا آن جنایتکارانی را که در ضربات ۱۱ سپتمبر مسؤولیت دارند، تعقیب و اگر ممکن باشد، به محاکمه بسپارند. مردم افغانستان در آن مسؤولیت ندارند. نباید قربانی بمب های ایالات متحده شوند.» (متباقی را در «لینک» می توانید، مطالعه نمایند.)

د یانو شمیره: له ۳تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

«رحیم الله یوسفزی بعنوان «خبر نگار» "بی. بی. سی."، از «پشاور» به تاریخ ۵ سپتمبر ۲۰۰۲م، بعد از اینکه، قریب نه و نیم ماه قبل «حامد کرزی» در رأس «اداره مؤقت» اشغال مقام نموده بود، به آن رسانه معتبر بین المللی فرستاده است، عنوان مطلب: «حامد کرزی حتی در سنگر مصون نیست!»

در متن گفته شده است که: «حمله، ضعف کرزی را برملا می سازد». علاوه بر «زندگی پر خطر کرزی» در محتوای گزارش خبری خود، نام می برد. ازین مفهوم، مقامات پاکستانی نیز بطور «مسلل» در «تبلیغات» آنکشور کار میگیرفته اند، زیرا آنکشور خود را در اهداف «ستراتیژیک» آن، که در تحت «نقشه» استفاده از «طالب» و «افراطیون بنیادگرای اسلامی»، «شکست خورده» می دید و هم اینکه «کنفرانس بن» به خواست کامل آنکشور انجام نیافت، با نا راضی و عدم اعتماد «محسوس» در رابطه، با افغانستان «عمل» نموده و عمل می نماید.

آنچه بحیث نویسنده این مطلب قابل اظهار شمرده شده می تواند، اینست که در مورد «توافق» و تاریخ و محل و امضاء کنندگان، بخود صلاحیتداران قانونی مربوط دانسته، جای ارائه نظر شخصی خود را نمی بیند. اما با مرور بر اسناد، می توان گفت، که «حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان» به هیچ صورت، نیت «صدمه زدن به قرارداد مطروحه» را نداشته، برخلاف به مصاحبه چند سال قبل آقای «زلمی رسول»، با «شپینگل» مراجعه نمائید، که جهت تسهیل «لینک» آن نیز در ذیل تقدیم می گردد.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_afghanistan_ba_har_qemat.pdf



محترم حامد کرزی از یکطرف بنا بر «فیصله» «بن»، باید با «جنگ سالاران»، و هم چنان در تحت شرایط موجودیت، وابستگان «مخالفین» در «داخل» اداره جدید سازش می نمود. قریب نه و نیم ماه، بعد از اشغال کرسی، به وقوع این حادثه نظر اندازید: تاریخ ۵ سپتمبر ۲۰۰۲م، روز چهارشنبه (شش روز کمتر از یک سال، از وقوع حادثه «ترور وحشتناک»، یعنی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م)، «بی. بی. سی.»، خبر «حمله» بر «حامد کرزی» را بدست نشر سپرده است. درین گزارش هم چنان، در ارتباط، با این تصویر «گارد امریکائی» می نویسد که:

«بسیاری از افغان ها در رابطه با "گارد امریکائی" حامد کرزی، منزجر و خشمگین اند.» در عین زمان از زندگی "پر خطر" کرزی» نیز یاد آور می شود و به این عبارت در همین منبع مدعی می گردد: «حامد کرزی از آن روز هائیکه توسط ایالات متحده امریکا، از یک حالت نسبتاً تاریکی بیرون آورده شد و در رأس اداره مؤقت افغانستان، بجای طالبان نصب گردید، زندگی پر خطر را سپری می نماید. در آنزمان در کابل ۵۰۰۰ عسکر قوای کمکی امنیت بین المللی (International Security Assistance Force (ISAF)) قرار داشته اند.»

صرفنظر از همه تبصره ها، اینکه رئیس جمهور افغانستان صلاحیت امضاء را دارد، خود می داند، که تحت چه شرایط و چه وقت، امضاء شود، «مشوره دیگران» نباید، بمثابة امر «جبری» شمرده شود. این رئیس جمهور را با برخورد های «انتقادی» ایشان، جانب «واشنگتن» خوب می شناسد. در مورد، «شایعه سازی» دیگران، در پروسه اثر نخواهد داشت. در مورد «ضرورت» این توافق دو جنبه، مسوولین، خود می دانند، در حقیقت امر، اینکه آیا امضاء خواهد شد، حل گردیده است، زمان موقت در روابط موجود دوستی، نقش نخواهد داشت. لینک های ذیل هم، عاری از علاقمندی نخواهد بود.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_metawanam_faqt_mutahed_sazam.pdf

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_mukhtasari_bar_mauqef_rais_jamhur_karzai.pdf

پایان

د یانو شمیره: له ۴تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ